

دربارهٔ سروده‌های شیرازی سعدی

به مناسبت روز بزرگداشت شیخ شیراز

منوچهر فروزنده فرد

دانش آموختهٔ کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی^۱

مقدمه

اهالی ادبیات زبان قدیم شیراز را بیشتر با «پر هفطائله»ی گلستان می‌شناسند. البته خوانندگان «کم‌خوانده‌های سعدی»^۲ لابد «مثلثات» شیخ را هم ملاحظه فرموده‌اند. سروده‌های شیرازی سعدی در کنار غزل مثلث حافظ (به مطلع «سبت سلمی بصدغیها فؤادی»)^۳ جزو مشهورترین نمونه‌های بازمانده از شیرازی قدیم به شمارند^۴ و از این رو تاکنون موضوع پژوهش‌های گوناگونی بوده‌اند. در این میان بی‌گمان دقیق‌ترین پژوهش‌ها بر دست توانای استاد علی‌اشرف صادقی انجام گرفته‌است (نک. صادقی، ۱۳۹۰؛ همو، ۱۳۹۱). از آنجا که از این پس هر نوشته‌ای در این زمینه به‌مثابهٔ حاشیه‌ای بر پژوهش‌های استاد خواهد بود نگارنده نیز نکته‌هایی بر حاشیهٔ مقالات ایشان قلمی می‌کند و امیدوار است گام نهادنش در این وادی به از نشستن باطل باشد.^۵

نخست) بر حاشیهٔ مقالهٔ «بیت شیرازی سعدی در گلستان» (صادقی، ۱۳۹۰)

۱- **پرو / پیر:** صورت «پیر» در نسخه‌های قدیم‌تر آمده و صورت «پیر» در دو نسخهٔ نسبتاً متأخرتر (نک. سعدی، ۱۳۸۱: ۶۶۹). با وجود این، صورت «پیر» نیز می‌تواند به اعتباری درست باشد. واژهٔ «پیر» (فارسی میانه و دری: pīr) در شیرازی قدیم به صورت pēr به کار می‌رفته‌است. مؤید تلفظ این واژه با یای مجهول قافیه شدن آن با «دیر» (dēr)، «سیر (صفت)» (sēr) و «دلیر» (dilēr) در شعر شاه داعی است (نک. واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۸۲ و ۸۳). پس اگر ضبط دو نسخهٔ متأخر گلستان را بپذیریم، می‌توان واژهٔ «پیر» را به صورت pēr واج‌نگاری کرد.

۱. manouchehr_fouzandeh@yahoo.com

۲- تعبیر استاد بهاء‌الدین خرمشاهی است برای اطلاق بر آثار سعدی جز بوستان و گلستان و غزل‌ها.

۳- غزل مثلث حافظ ان‌شاءالله موضوع یادداشت آیندهٔ نگارنده خواهد بود.

۴- برای آگاهی از آثار بازمانده از شیرازی قدیم و پژوهش‌های انجام‌شده دربارهٔ آنها نک. فروزنده فرد، ۱۳۹۷.

۵- سپاسداری از لطف همیشگی استاد بر نگارنده بایسته است. «به بندگی و صغیری گرت قبول کند/ سپاس دار که فضلی بود کبیر

ضمن اینکه به لحاظ عروضی نیز مجازیم در آغاز مصراع به جای فعلاتن از فاعلاتن استفاده کنیم. واژه «پیر» البته می‌تواند به صورت per نیز تلفظ شود که در این صورت دقیقاً به لحاظ آوایی معادل «پر» خواهد بود. کافی است در نظر داشته باشیم که در شیرازی واژه «نیک» (فارسی میانه و دری: nēk) با همین رسم‌الخط به صورت nek تلفظ می‌شود (برای نمونه‌ای از شاه داعی نک. همان: سه گفتار، ص ۱۸ «نیک» nek و ص ۵۶ «نیک» nek-i؛ و برای نمونه‌هایی از شمس پس ناصر نک. ماهیار نوایی، ۱۳۵۷: ۱ «نیک» nek-i و ۹ «نیک» nek). همچنین واژه «نیهکو» در برخی نسخه‌های حافظ با همین رسم‌الخط به صورت nehku تلفظ می‌شود که درست‌تر و اصیل‌تر از رسم‌الخط «نیهکو» می‌نماید.^۱ همچنین رسم‌الخط «کیهان» در شاه داعی به صورت gehān تلفظ می‌شود (برای نمونه نک. واجد شیرازی، ۱۳۵۳: سه گفتار، ص ۱۴). بر این قیاس می‌توان «پیر» را نیز per واج‌نگاری کرد.

- استاد در توضیح واژه پیر در بیت گلستان نگاشته‌اند: «کلمه پیر با آنکه با یاء معلوم، یعنی pīr، تلفظ می‌شده اما آ بلند آن به e، در مرحله قدیم‌تر i، کوتاه شده‌است» (صادقی، ۱۳۹۰: ۳۹۴).

با توجه بدانچه گفته‌شد به نظر می‌رسد نخست صورت pīr به pēr و سپس صورت اخیر به per تبدیل شده‌باشد. یا اینکه اساساً می‌توان فرض کرد که صورت شیرازی میانه یا باستان این واژه متفاوت با صورت میانه یا باستان واژه فارسی «پیر» بوده است. البته تبدیل آ به i و بعداً e نیز در فارسی و شیرازی قدیم سابقه دارد و نمونه مشهورش تبدیل نشانه اضافه آ به نشانه اضافه e= است (درباره این تحول آوایی همچنین نک. توضیحات نگارنده ذیل واژه «نادنه» در بیت ۱۲ از مثلثات سعدی در ادامه نوشتار حاضر).

۲- هفتا/ هفتا: ضبط قدیم‌ترین نسخه و اکثر چاپ‌ها از جمله یوسفی «هفتا» است. گرچه نگارنده نیز مانند استاد معتقد است «املائی "هفتا" [...] معرف تلفظ خاصی نیست» اما احتیاط حکم می‌کند که ضبط قدیم‌تر و دشوارتر را برگزینیم.

۳- جوئی: استاد این کلمه را به صورت Juni واج‌نگاری کرده‌اند اما چنان‌که نگارنده پیش‌تر اشاره کرده‌است صورت jvon-i صحیح است (نک. فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۱).

۱- از میان چاپ‌های معتبر حافظ، نیساری رسم‌الخط اصیل‌تر «نیهکو» را در متن آورده‌است (نک. حافظ، ۱۳۸۷: ۵۰۴). قدیم‌ترین نسخه شناخته‌شده حافظ مکتوب به سال ۸۰۱ هجری نیز در همین بیت صورت «نیک» neko=y را با «ی» نوشته‌است (نک. همو، ۱۳۹۴: ۶۷).

۴- **کند/ کاند:** استاد نوشته‌اند (ص ۳۹۴): «در مثلثات سعدی نیز دو بار «کند» به شکل «گند» و در بعضی نسخه‌ها به شکل «کآند» به کار رفته‌است.»

می‌توان افزود که در همین بیت *گلستان* نیز برخی از نسخه‌ها (یعنی نسخه‌های «مل» و «ب» از میان نسخ مورداستفاده یوسفی، یک کلیات خطی که قریب در حاشیه چاپش از آن یاد کرده، و یکی از نسخه‌های مورد استفاده در چاپ علی‌یف [به نشانه «خ»]) واژه را به صورت «کاند» ضبط کرده‌اند (نک. سعدی، ۱۳۸۱: ۶۶۹ و ۶۷۰). در اشعار شاه داعی نیز «کآند» کاربرد دارد و مثلاً با «دآند» قافیه شده‌است:

هر که نه انگه خه مکلف نداند / پیروی شرع محمد نکاند (واجد شیرازی، ۱۳۵۳، سه گفتار، ص ۱۰)

ترجمه: هر که در اینجا خود [را] مکلف نداند / پیروی شرع محمد نکند

صورت‌های دیگری مانند «بکان» (= بگن) نیز در شاه داعی وجود دارد:

ذکر بکان فکر بکان هاده نان ... (همان، ص ۳۰)

ترجمه: ذکر بگن، فکر بگن، نان بده.

در قصیده مثلث ناصرالدین خطیب شفعوی نیز صورت «کاندن» به معنی «گند» به کار رفته‌است (نک. فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۶-۸۷). همچنین در اشعار شیرازی شمس پس ناصر (برای نمونه، نک. ماهیار نوابی، ۱۳۷۵: ۳۸، بیت ۴۵) و در بیتی از کاتب دیوان او (نک. همو، ۱۳۷۴: ۳۷، بیت ۷).

۵- **عشغ:** با توجه به قاعده‌ای که نگارنده پیش‌تر بدان اشاره کرده‌است (نک. فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۴) نیز می‌توان نظر استاد را - در مقابل نظر کسانی که معتقد به خواندن «عشغ» به سکون غین هستند - تأیید کرد. مطابق این قاعده در شیرازی قدیم صورت‌های فشرده مختوم به «غ/خ» همواره باید با کسره اضافه خوانده شوند. اما اینکه نوشته‌اند «عشغ به دلیل داشتن «ع» مسلماً یک کلمه عربی است» هم محل بحث است؛ زیرا کلمه «عینه» (= آینه) نیز با اینکه عربی نیست در شیرازی با عین نوشته می‌شود.

۶- **مقوی:** نوشته‌اند (ص ۳۹۶): «در مثلثات می‌بینیم که کلمات فارسی و عربی مختوم به های غیرملفوظ در شیرازی با a پایانی تلفظ می‌شده‌اند نه با e که بتواند به i بدل شود.»

به نظر می‌رسد کاربرد «قبلی» به معنی «قبله» در قصیده مثلث خطیب شفعوی (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۲) ناقض این نظر استاد باشد. البته امکان دارد که این تحول آوایی پس از روزگار سعدی رخ داده باشد.

۷- **ف:** صورتی از این حرف اضافه که در برخی نسخ با فای عجمی آمده صورت دشوارتر و برتر به نظر می‌رسد؛ سنج. «فسعدی» در مثلثات (صادقی، ۱۳۹۱: ۳۵).

۸- **خُی**: به نظر نگارنده این صورت احتمالاً از *xwē* «خواب» فارسی میانه است (نک. آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

۹- **بنی**: این کلمه می‌تواند فعل التزامی در معنای امر باشد. در شاه داعی نیز به این معنی به کار رفته است (نک. واجد شیرازی، ۱۳۵۳: خاتمه، ۷۹).

۱۰- **روشت** (*rōšt* یا *rušt*): به نظر می‌رسد استاد این بیت شیرازی را خارج از بافت متن در نظر گرفته‌اند که حکم به تلفظ *rušt* داده‌اند (ص ۳۹۸)، حال آنکه اگر به بیت فارسی پس از آن که قافیه‌اش «گوشت *gōšt*» است توجه شود، احتمال واج‌نگاری *rōšt* تقویت می‌گردد.

۱۱- **معنی بیت**: ظاهراً می‌توان «چش روشت» را ایهامی در نظر گرفت: ۱- چشم روشن ۲- (کنایه از) معشوق. در این صورت «عشغ» قرینه‌ای برای معنای دوم و «مقری» قرینه‌ای برای معنای اول خواهد بود.

با توجه به نکاتی که مطرح شد واج‌نگاری و ترجمه پیشنهادی نگارنده برای بیت شیرازی گلستان چنین است:
pēr=e haftā-θal-a jvon-ī mē-kān-d/ Pašy(/x)=e moy(/q)rī βa xoy ben-ē češ=e rōšt
پیر هفتادساله جوانی می‌گند / عاشقِ مقری (=کور) به خواب بینی (/بین) چشم روشن [را].

دوم) بر حاشیه مقاله «ایات شیرازی سعدی در مثلثات» (صادقی، ۱۳۹۱)

۱- **درویش** (ص ۱۴): به نظر می‌رسد بر اساس اشعار شاه داعی تلفظ این واژه به کسر دال باشد: *derviš* (نک. واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۲۹). همچنین صورت جمع آن *dervešān* است (همان: ۱۰۰) و صفت نسبی آن *dervešona* (همان: سه گفتار، ص ۶).

۲- **هاجه** (ص ۲۳): به نظر نگارنده این کلمه به معنی «بدهی» (فعل مضارع التزامی دوم شخص مفرد) است؛ سنج. «هاجم: بدهم» در شاه داعی (همان: خاتمه، ۱۴۱). واجد «هاجه» را در مثلثات به صورت «بده» (فعل امر) معنی کرده که به لحاظ دستوری درست نمی‌نماید.

۳- **نادنه** (ص ۲۸): فرموده‌اند: «تبدیل آ به e در این گویش بی‌سابقه است» اما به نظر می‌رسد کاربرد *per* به جای *pīr* در بیت شیرازی گلستان ناقض این نظر استاد باشد (نک. توضیحات بخش نخست یادداشت حاضر، شماره ۱).

۴- **قافیه** (ص ۲۹): فرموده‌اند «قافیه شدن "خو" و "چه" از سوی سعدی شگفت‌آور است». البته یک احتمال دیگر نیز می‌توان در نظر گرفت و آن اختلاف معنای «واکند» در دو مصراع است. در آن صورت این دو واژه

قافیه می‌شوند و نیازی نیست «خو» و «چه» را به لحاظ آوایی توجیه کنیم. البته این تنها در حد گمان است و نگارنده عجلتاً نتوانست اختلاف معنایی بیابد.

۵- میان (ص ۲۹): واج‌نگاری استاد *myân* است اما شاید *mân* نیز بتوان خواند؛ چنان‌که در اشعار داعی «میان» به صورت *mân*، «بیار» به صورت *bâr* و ... خوانده می‌شود (برای نمونه نک. واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۰ و ۱۳).

۶- خهتر (ص ۳۲): «خه» به معنی «به، بهتر» ظاهراً در بیت کهن «از شاش ته بهی / همیشه ته خهی» نیز به کار رفته است (اگرچه استاد در تکوین زبان فارسی (صادقی، ۱۳۵۷: ۹۲) نوشته‌اند که نمی‌تواند به این معنی باشد، اما آیا این دو بیت نمی‌توانند به هر حال یکدیگر را تأیید کنند؟).

۷- کذک می دی (ص ۳۴): واج‌نگاری استاد *koḏak mē di* است که آن را با توجیهاتی به معنی «کودکی را می‌دیدم» گرفته‌اند. به نظر نگارنده تقطیع تکواژی *koḏak=m=i di* «کودکی دیدم» صحیح است. می‌دانیم که در شیرازی قدیم ضمیر متصل (در اینجا *m=* که عامل ساخت گنایی است) می‌تواند بر نشانهٔ نکره مقدم شود (برای نمونه، نک. فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۱-۸۲). ضمن اینکه به قرینهٔ «جونی»، «کذک» نیز بهتر است نکره باشد، چنان‌که استاد نیز در ترجمهٔ فارسی آن را نکره در نظر گرفته‌اند.

منابع

- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی. (۱۳۸۷). *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*. چ ۶. تهران: معین.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۷). *دیوان حافظ بر اساس نسخه‌های خطی سدهٔ نهم*. به کوشش سلیم نیساری. چ ۲ (ناشر). تهران: سخن.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۹۴). *دیوان حافظ شیرازی: کهن‌ترین نسخهٔ شناخته‌شدهٔ کامل کتابت ۸۰۱ هجری با دیباچهٔ محمد گلندام (جامع دیوان حافظ)*. نسخه‌برگردان دستنویس شمارهٔ ۵۱۹۴ کتابخانهٔ نورعثمانیه (استانبول). به کوشش بهروز ایمانی. تهران: میراث مکتوب.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۱). *گلستان سعدی*. تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی. چ ۶. تهران: خوارزمی.
- صادقی، علی‌اشرف. [۱۳۵۷]. *تکوین زبان فارسی*. تهران: دانشگاه آزاد ایران.

- صادقی، علی اشرف. (۱۳۹۰). «بیت شیرازی سعدی در گلستان: پیشنهادی تازه برای قرائت و معنی آن». جشن‌نامه استاد دکتر سلیم نیساری. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ص ۳۹۳-۳۹۹.
- صادقی، علی اشرف. (۱۳۹۱). «ابیات شیرازی سعدی در مثلثات». زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، ش ۱، ص ۳۷-۵.
- صادقی، علی اشرف. (۱۳۹۳). «غزلی ملمع از ناصرالدین خطیب شفعوی به سه زبان عربی، فارسی و شیرازی». زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، ش ۴، ص ۱۱۷-۱۲۷.
- فروزنده فرد، منوچهر. (۱۳۹۵). «نگاهی انتقادی به ابیات شیرازی قصیده مثلث ناصرالدین خطیب شفعوی». گزارش میراث، دوره ۳، س ۱، ش ۱-۲ (پیاپی ۷۴-۷۵)، ص ۷۹-۹۱.
- فروزنده فرد، منوچهر. (۱۳۹۷). توصیف زبان‌شناختی گویش قدیم شیراز با تکیه بر کتاب‌های "کان ملاحظت" و "سه گفتار" شاه داعی شیرازی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی محمد مطلبی و مشاوره محمود مدبری. دانشگاه شهید باهنر کرمان. چاپ نشده.
- ماهیار نوایی، یحیی. (۱۳۵۷). «دو غزل دیگر از شمس پس ناصر». پژوهش‌نامه بخش زبان‌شناسی مؤسسه آسیایی، س ۴، ش ۲-۴، ص ۱-۱۵.
- ماهیار نوایی، یحیی. (۱۳۷۴). «چند غزل از شمس پس ناصر». نامه فرهنگستان، س ۱، ش ۴ (پیاپی ۴)، ص ۲۷-۳۸.
- ماهیار نوایی، یحیی. (۱۳۷۵). «قصیده‌ای و غزلی از شمس پس ناصر به گویش کهن شیراز». نامه فرهنگستان، س ۲، ش ۱ (پیاپی ۵)، ص ۳۶-۵۲.
- واجد [شیرازی]، محمدجعفر. (۱۳۵۳). نوید دیدار (در شرح کتاب "کان ملاحظت" و مثنوی "سه گفتار" به زبان محلی شیرازی). شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر فارس.